

درجه حرارت در آخرین روزهای نمایشگاه

در روزهای آخر نمایشگاه کتاب، فضای امنیتی غلیظ تر از روزهای اول شد. بازداشت موقت دکتر ابراهیم یزدی به دلیل توزیع چند برگ از نامه ای که نهضت آزادی در پاسخ به اتهامات بسیج نوشته بود با جمع کردن کتاب های بیشتری در نمایشگاه همراه شد.

«عشق و بانوی ناتمام» امیرحسین چهلتن را گفتند نباید بفروشید . ترانه های کریس دی برگ، متالیکا و مگادس، تأویل بوف کور، ماتریکس، گورستان غریبان، مرد توانا، غلو (نوشته صالحی نجف آبادی) و درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین نیز از جمله این کتاب هائی بود که فروش آن ممنوع شد.

ماتریکس را گفتند يك کلمه ای در آنست که به همین دلیل کتاب نباید فروخته شود. حالا همه می خواهند بدانند آن کلام ممنوع چیست؟! کتاب صالحی نجف آبادی بنام "غلو" هم چندان جلب توجه نمی کرد تا اینکه خبر درگذشت او را مطبوعات منتشر کردند و درباره گذشته و شخصیت او نوشتند. بلافاصله مردم برای خرید آن مراجعه کردند. ابتدا فروش آن را ممنوع کردند، اما با این ممنوعیت نشان دادند که او از جمله روحانیون مغضوب بوده و اقبال به او تشدید شد!

ضمناً در شرکت سهامی قلم نیز کلیه کتاب هایی که تاریخ انتشارشان قبل از سال 82 بوده و از زیر تیغ سانسور جدید رد نشده جمع آوری شدند . دربرخی غرفه ها روی تصاویر صادق هدایت کاغذ چسبانده شد تا توجه بازدید کنندگان نسبت به این غرفه ها بیشتر نشود.

بدستور مدیر اداره کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی –هیچ خبرنگار زنی که چادر مشکی به سر نداشته باشد حق مصاحبه با وی را نداشت!

برخی تابلوهای خروج اضطراری نیز روی عکس برخی نویسنده ها نصب شده بود. سالن ناشران دانشگاهی از شلوغ ترین سالن های نمایشگاه کتاب و مطبوعات بود.

*****بر گرفته از رسانه پیک نت*****